

بررسی بازیافت نفت خام از یک مخزن ذخیره سازی نفت خام با استفاده از بیوسورفکتانت رامنولیپید

حسین امانی؛ دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، دانشکده مهندسی شیمی

چکیده

در صنعت نفت مقدار زیادی پسماندهای جامد و نیمه جامد تولید می شود که به عنوان لجن های نفتی شناخته می شوند. این لجن ها در مراحل مختلف تولید و پالایش نفت در پایین مخازن تولید، می شوند. تجمع پسماندهای نفتی در صنعت نفت مسئله محیطی جدی را بوجود می آورد. هدف از این تحقیق ارزیابی روند دیگری برای از بین بردن لجن های نفتی، با استفاده از بیوسورفکتانت ها است. یکی از مهم ترین خواص بیوسورفکتانت ها کاهش کشش سطحی و تشکیل امولسیون های نفت/آب است. در این پژوهش بیوسورفکتانت رامنولیپید از باکتری پسیودوموناس آئروژینوسا^۱ PTCC ۱۵۷۰ تولید شد و با توجه به شناسایی و اندازه گیری غلظت رامنولیپید با HPLC و TLC مشاهده شد تولید رامنولیپید در فاز لگاریتمی رشد، شروع و تا فاز سکون ادامه می یابد. طی بررسی تولید رامنولیپید، مشخص شد که حداکثر میزان رامنولیپید تولید شده در محیط کشت حاوی روغن آفتاب گردان به عنوان تنها منبع کربن برابر با ۱ g/l است. در انتهای این تحقیق، آزمایش بازیابی نفت خام از یک مخزن شبیه سازی شده نفت خام با استفاده از رامنولیپید تولید شده در غلظت CMC انجام شد. نتایج نشان داد در حدود ۷۰ درصد نفت خام با استفاده از این روش بازیافت می شود.

مقدمه

گروهی از میکروارگانیسم های موجود در طبیعت قادر به ترشح مواد برون سلولی هستند که از جمله این مواد به ترکیبات فعال کننده سطحی یا بیوسورفکتانت ها می توان اشاره کرد. اهمیت بیوسورفکتانت های بیولوژیک در مقایسه با انواع سنتزی در این است که از نظر نوع و خصوصیت نسبت به انواع سنتزی گستردگی بیشتری را دارند و همچنین از طریق بیولوژیک هم قابل تجزیه است. بدین صورت با استفاده از آن ها دیگر مشکل عدم تجزیه سورفکتانت های سنتزی و آلودگی محیط زیست را نخواهیم داشت. از طرف دیگر با استفاده از منابع اولیه ارزان قیمت مانند ضایعات کارخانه های صنایع غذایی برای باکتری ها، قیمت تمام شده یا به عبارت دیگر هزینه های تولید بیوسورفکتانت ها را می توان کم کرد [۱]، [۲]، [۳]، [۴]، [۵]. بیوسورفکتانت ها بین دوفاز مختلف که قطبیت متفاوتی دارند مثل، نفت / آب، هوا / آب و یا آب / سطح جامد جمع می شوند. از آن جا که مقدار کمی از نفت در آب حل می شود، به دلیل قرار گرفتن بیوسورفکتانت ها بین دوفاز باعث کاهش کشش بین سطحی

واژه های کلیدی: بیوسورفکتانت، رامنولیپید، امولسیون سازی، لجن های نفتی، تانک ذخیره

پذیرش ۹۲/۱۲/۱۲

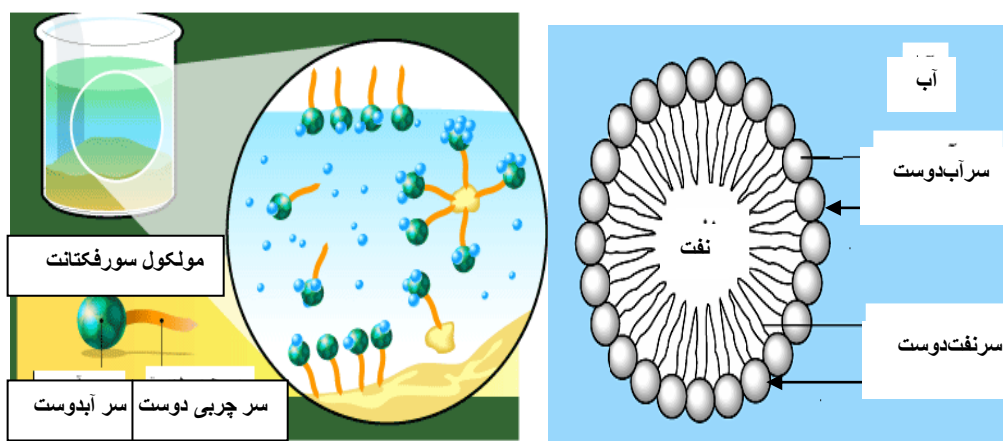
دریافت ۹۲/۵/۶

hamani@nit.ac.ir

نویسنده مسئول

^۱. *Pseudomonas aeruginosa*

نفت و آب شده و در نهایت امولسیون نفت در آب را تشکیل می‌دهد [۱]، [۲]. به همین دلیل لغت بیوامولسیفایر نیز اغلب برای توصیف بیوسورفکتانت‌ها به کار برده می‌شود. توانایی سورفکتانت‌ها در تمرکز میان سطوح از ویژگی‌های یک سر آب‌دوست و یک سر آب‌گریز^۱ آن‌ها گرفته می‌شود. این خاصیت بیوسورفکتانت‌ها باعث می‌شود که نفت خام از سطح سنگ یا فلز برداشته شده و در فاز آبی پراکنده شود [۱]، [۲]. به عنوان مثال در فرمولاسیون تمیز کننده‌ها، سورفکتانت‌ها را به کار می‌برند به طوری که چربی‌ها از سطوح برداشته شده و در فاز آبی پراکنده می‌شود. شکل ۱ نمایش ساده‌ای از چگونگی حل شدن نفت (روغن) در آب را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمایش ساده‌ای از چگونگی حل شدن چربی در آب

در طول تولید و تصفیه نفت خام، مقدار زیادی لجن‌های نفتی تولید می‌شود. این لجن‌ها آلاینده‌های محیطی هستند و در عین حال حجم مفیدی از مخزن ذخیره‌سازی را اشغال می‌کنند. لجن‌های نفتی و مواد زاید در تانک‌های نفتی رسوب، و مشکلاتی برای استخراج، انباشت، و انتقال نفت خام ایجاد می‌کنند. رامکارهای معمول رفع آلاینده‌های صنعت نفت کمبودهای زیادی دارد که از جمله به هزینه زیاد و نیاز به تجهیزات خاص و کارکنان متخصص می‌توان اشاره کرد. دفن زمینی آلاینده‌ها نیز روندی طولانی است و می‌تواند منجر به آلودگی آب‌های زمینی شود. بنا بر این تانک‌های نفتی باید متناوباً به صورت مکانیکی تمیز شوند. این فرایند پرخطر، زمان بر و پرهزینه است [۶]، [۷]، [۸]، [۹]، [۱۰]. یکی از کاربردهای اصلی بیوسورفکتانت‌ها در صنایع نفتی است. از جمله این کاربردها می‌توان به پاک‌سازی تانک‌های ذخیره نفت خام، ازدیاد برداشت نفت از مخازن، تسهیل انتقال نفت در خطوط انتقال و کاربردهای زیست‌محیطی نظیر پاک‌سازی مناطق آلوده به نفت اشاره کرد. لجن‌های نفتی را با استفاده از بیوسورفکتانت‌ها و کاهش دادن ویسکوزیته و افزایش امولسیون‌سازی می‌توان از بین برد [۹]. این فرایند، مکش لجن‌ها را تسهیل می‌بخشد زیرا امولسیون که اکنون ویسکوزیته کمتری دارد، راحت‌تر از قبل پمپ می‌شود. در فرایند صنعتی لجن‌زدایی، مخلوطی از بیوسورفکتانت، آب و نفت خام به داخل تانک تزریق می‌شود و آنقدر در داخل تانک به گردش در می‌آید که تمامی لجن‌ها تشکیل امولسیون دهند. فاز نفتی به خارج پمپ و به تانک‌های ذخیره کننده منتقل می‌شود و فاز آبی (بخش زاید) برای دفع شدن خارج می‌شود. شکل ۲ این مراحل را به صورت نمادین نشان می‌دهد.

۱. Amphipatic



شکل ۲. مراحل پاکسازی مخازن ذخیره‌سازی نفت [۱۱]. الف) قبل از عملیات، نفت و پس‌ماندها در کف و روی دیواره مخزن ته‌نشین شده‌اند، ب) بیوسورفکتانت به صورت محلول به چرخش درمی‌آید و نفت خام به طور کامل امولسیون می‌شود، ج) در انتهای عملیات، امولسیون به صورت یک هیدروکربن شامل فاز بالایی و فاز آبی پائین‌تر جداسازی می‌شود، فاز آبی بازیابی می‌شود در حالی که فاز آبی پس از تخلیه در دستگاه‌های پالایش نفت مجدداً استفاده می‌شود

امروزه استفاده از بیوسورفکتانت‌های برای پاکسازی لجن و رسوبات از مخازن نفتی مختلفی در دنیا گسترش فراوانی یافته است. بیوسورفکتانت‌هایی که با باکتری‌هایی مانند *آسینتوباکتر*^۱، *باسیلوس سابیتیلیس*^۲ و *سودوموناس آرچینوزا*^۳ تولید می‌شوند، برای پاکسازی تانکرهای نفتی استفاده می‌شوند. بیوسورفکتانت امولسان از باکتری *آسینتوباکتر*، بیوسورفکتانت سورفکتین از باکتری *باسیلوس سابیتیلیس* و بیوسورفکتانت رامنولیبید از باکتری *سودومونای آرچینوزا* تولید می‌شوند [۲]، [۷]، [۹]، [۱۱]، [۱۲]، [۱۴].

گانتیک^۴ و همکاران اولین گزارش مکتوب در مورد پاکسازی مخازن حمل و نقل و ذخیره‌سازی از طریق بیومواسی‌فایرهای میکروبی را در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد کردند [۱۳]. در سال ۱۹۹۱، بنت^۵ و همکاران [۱۴] به کارگیری بیوسورفکتانت‌ها برای پاکسازی مخازن ذخیره‌سازی نفت، را پیشنهاد کردند. کمپانی نفت کویت بیوسورفکتانت رامنولیبید را در عملیات پاکسازی استفاده کرد. بیوسورفکتانت رامنولیبید تولید شده به یک مخزن لجن نفتی، به همراه نفت خام تازه و آب افزوده شد و سپس به طور پیوسته به مدت ۵ روز در دمای محدود ۴۰-۵۰ درجه سانتی‌گراد گردانده شد. لجن نفتی به طور مؤثری از انتهای مخزن به سمت بالا حرکت کرد و به شکل امولسیون درآمد. این روش ۹۱٪ از هیدروکربن‌های موجود در لجن را بازیابی کرد. این نتایج نشان می‌دهد که بیوسورفکتانت به دست آمده نه تنها از نظر درصد نفت پاکسازی شده با نمونه‌های شیمیایی به خوبی قادر به رقابت هستند، بلکه از نظر اقتصادی نیز در مقایسه با نمونه‌های شیمیایی کاملاً به صرفه و برترند. زیرا سورفکتانت‌های شیمیایی با صرف هزینه‌های زیاد و عمدتاً از نفت خام که خود دارای ارزش اقتصادی است، به دست می‌آیند؛ حال آن‌که بیوسورفکتانت‌ها را به راحتی و حتی با استفاده از ضایعات صنایع دیگر به عنوان سوبسترای اولیه، می‌توان به دست آورد. از آن زمان، پژوهش‌ها و آزمایش‌های طولانی و دقیقی در طول سال‌ها انجام شد که نتیجه آن پیشرفت چشمگیر این روش در سال ۲۰۰۴، به وسیله شرکت ایتالیایی ایدرابل^۶ و کمپانی آمریکایی بیوسورفکتانت جنیل^۷ بود [۱۱].

۱. Acinetobacter ۲. Bacillus subtilis ۳. Pseudomonas aeruginosa ۴. Gutnick ۵. Banat
۶. Idrabel Italia ۷. Jeneil

با توجه به موارد موفقیت‌آمیز مذکور و همچنین منابع نفتی فراوان کشور، به‌نظر می‌رسد انجام پژوهشی در زمینه تولید بیوسورفکتانت‌ها و استفاده از آن‌ها برای پاکسازی مخازن ذخیره نفت خام یک نیاز ضروری است. در همین راستا، هدف از این تحقیق بررسی تولید رامنولیبید با باکتری پسیودوموناس آنروژینوسا PTCC۱۵۷۰ که جدا شده از مناطق آلوده نفتی ایران است، به‌عنوان مدلی بومی به‌منظور پاکسازی مخازن نفتی است.

آماده‌سازی محیط کشت و رشد باکتری

اندازه‌گیری غلظت روغن آفتاب‌گردان

تعیین مقدار غلظت روغن آفتابگردان در محیط کشت به روش وزنی صورت گرفت. ۲ ml فاز هگزان به ظروف از قبل وزن شده انتقال و پس از تبخیر هگزان، ظروف مورد نظر توزین شدند.

2. Yeast extract

اندازه گیری زیست توده (بیومس)

به منظور جداسازی باکتری ها، کشت باکتری در دستگاه سانتریفیوژ (مولتی فوژ هرئوس)^۱ درون لوله های مخصوص از قبل وزن شده، در $120.86 \times g$ و $4^\circ C$ سانتریفیوژ شد. سوپرناتانت برای انجام همه آزمایش ها به منظور بررسی میزان تولید بیوسورفکتانت استفاده شد. رسوب باقی مانده یا زیست توده پس از سانتریفیوژ، ۲ بار با آب نمک ۰/۹٪ شستشو داده شد. پس از آن زیست توده به مدت ۲۴ ساعت در حرارت $100^\circ C$ خشک و سپس توزین شد [۱۵].

استخراج، خالص سازی و تعیین غلظت رامنولیپید

به ۱ ml از نمونه گرفته شده محیط کشت، ۱۰ میکرولیتر (H_3PO_4) و ۱/۲۵ ml اتیل استات اضافه شد [۱۵]، [۱۶]. مدت ۳۰ دقیقه در $120.86 \times g$ در $4^\circ C$ سانتریفیوژ شده و سپس فاز آلی آن جدا شد. برای اطمینان بیش تر از جداسازی، یک بار دیگر فاز آبی با ۱/۲۵ ml اتیل استات استخراج شد. بعد از تبخیر اتیل استات در دمای $50^\circ C$ و ۲۰۰۰ rpm درون یک تبخیر کننده، رامنولیپید زرد رنگ ظاهر شد. خالص سازی بیش تر با استفاده از TLC^۲ یا کروماتوگرافی لایه نازک (پلیت های^۳ $60F254$ ۲۵٪) انجام شد. در این روش فاز متحرک شامل کلروفرم: متانل: استیک اسید (۶۵:۱۵:۲) است که این فاز متحرک باعث جدایی ۴ نوع رامنولیپید می شود. بعد از این مرحله کاغذ را درون محلول اسید سولفوریک: استیک اسید (۱:۵۰) آغشته کرده و بعد از خشک شدن از آن عکس گرفته شد. از استاندارد جنیل (سوکویل، امریکا)^۴ به عنوان شاهد استفاده شد [۱۵]. استاندارد جنیل شامل رامنولیپیدهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ است که با پسیدوموناس آئروژینوسا تولید می شود. برای تعیین غلظت رامنولیپید از دستگاه HPLC^۵ (اجیلنت سری ۱۱۰۰)^۶ استفاده شد. ستون استفاده شده در دستگاه C۱۸ با قطر ۵ میکرومتر و دبی تزریق ۰/۸ میلی لیتر در دقیقه است. برای اندازه گیری غلظت رامنولیپید، ابتدا باید دستگاه HPLC را آماده کرد. برای این منظور ابتدا محلول A (۴۰ میلی مولار ۴- بروم فناکیل برمید در استونیتریل^۷)، محلول B (۲۰ میلی مولار ۳- اتیل آمونیوم در استونیتریل^۸) و محلول C (مخلوط کردن محلول A و B به نسبت مساوی) تهیه شد. در مرحله بعد به نمونه های رامنولیپید که از قبل استخراج و در ۳۶۰ میکرولیتر استونیتریل حل شده اند، ۴۰ میکرولیتر از محلول C اضافه می شود. همچنین از محلول ۹۵٪ آب مقطر و ۵٪ متانل به عنوان فاز متحرک در دستگاه استفاده می شود.

تعیین کشش سطحی و غلظت بحرانی تشکیل میسل^۹ (CMC)

یکی از مهم ترین ویژگی ترکیبات فعال سطحی که در صنعت بررسی می شوند، قابلیت کاهش کشش سطحی است. این روش بر اساس تعیین نیروی لازم برای کشیدن حلقه سیمی- پلاتینی از حد فاصل سیال مایع- هوا و یا

۱. Multifuge 1S-R, Heraeus ۲. Thin Layer Chromatography ۳. plates ۴. United States, Saukville

۵. High Performance Liquid Chromatography ۶. Agilent 1100 Series

۷. 4-Bromphenacylbromid ($C_6H_6Br_2O$) in Acetonitril ۸. Triethylammonium ($C_5H_{15}N$) in Acetonitril

۹. Critical Micelle Concentration

حد فاصل دو سیال استوار است. کاربرد گسترده این روش به دلیل دقت و سهولت استفاده است و این واقعیت که این شاخص نسبتاً سریع اندازه گیری می شود. سنجش کشش سطحی نمونه ها با دستگاه تنسیومتر^۱ به روش دونوی رینگ^۲ اندازه گیری شد. برای تعیین غلظت بحرانی تشکیل میسل (CMC) کشش سطحی سوپرناتانت در غلظت های مختلف اندازه گیری شد. غلظت بحرانی تشکیل میسل ها به غلظتی از سورفکتانت گفته می شود که در بیش تر از این مقدار میسل ها به طور مرتب تشکیل می شوند. قبل از رسیدن به میزان CMC کشش سطحی با غلظت سورفکتانت به مقدار زیادی کاهش می یابد. بعد از رسیدن به CMC کاهش کشش سطحی دیگر دیده نمی شود. هر چه این غلظت کمتر باشد آن بیوسورفکتانت کارا تر است. برای تعیین CMC کشش سطحی سوپرناتانت در غلظت های مختلف اندازه گیری شد [۲]، [۱۷].

تعیین قدرت کنار زنی نفت خام از روی آب^۳

ابتدا ۵۰ میلی لیتر آب مقطر درون پلیت ریخته می ریزیم سپس ۱۰۰ میکرو لیتر نفت خام (سکوی سلمان، چاه ۳۴ و ۱۶ API) به آن افزوده می شود. بعد از مدت ۱ تا ۲ دقیقه که لایه ی یک نواختی بر سطح آب تشکیل شد، ۱۰ میکرو لیتر از رامنولیبید را در غلظت CMC به آن افزوده و قطر ناحیه شفاف ایجاد شده در سطح لایه نفتی را در مقایسه با شاهد (حجم یکسانی آب مقطر) بررسی می کنیم [۱۸]، [۱۹]. این آزمایش نشان دهنده قوی و کارا بودن بیوسورفکتانت تولیدی است.

تعیین شاخص امولسیون سازی^۴ نفت خام (E_{۲۴})

برای بررسی توانایی امولسیون سازی، ابتدا چهار میلی لیتر از محلول بیوسورفکتانت تولید شده در غلظت CMC به لوله مدرج حاوی چهار میلی لیتر از نفت خام افزوده می شود سپس این لوله به مدت سه دقیقه به شدت مخلوط شده و پس از گذشت ۲۴ ساعت مقدار E_{۲۴}، از تقسیم ارتفاع ناحیه امولسیون شده بر ارتفاع کل دو سیال محاسبه می شود [۲]، [۵]. همچنین میزان پایداری حالت تعلیق اندازه گیری می شود. این پایداری هر چه بیش تر باشد بهتر است. در این تحقیق برای بررسی میزان پایداری مجدداً بعد از ۱۵ روز فاکتور E_{۲۴} اندازه گیری شد. برای کنترل آزمایش ها، محیط کشت بدون میکرو اورگانیزم به نفت خام فوق به عنوان محلول شاهد اضافه شد.

تانکر شبیه سازی شده برای بررسی قدرت پاک کنندگی بیوسورفکتانت تولید شده

برای بررسی تأثیر بیوسورفکتانت در پاک سازی نفت خام از تانک های ذخیره، لیوانی فلزی با قطر ۲۰ cm و ارتفاع ۳۰ cm به طور کامل به نفت خام (سکوی سلمان، چاه ۳۴ و ۱۶ API) آغشته می شود یا به عبارت دیگر شبیه سازی آزمایشگاهی می شود. سپس تانکر شبیه سازی شده به مدت ۱۰ ساعت برگردانده می شود تا هر مقدار که امکان دارد نفت خام آن به طور طبیعی تخلیه شود. بعد از این مدت، وزن لیوان به همراه نفت خام چسبیده به آن اندازه گیری می شود. از آنجاکه در کاربردهای صنعتی بیوسورفکتانت ها را معمولاً با استفاده از پمپ ها با سرعت

۱. kruss k10T

۲. Du Nouy Ring Method

۳. Oil Spreading

۴. Emulsion index

زیاد در مخزن می‌چرخانند بنا بر این در این تحقیق تانکر شبیه‌سازی شده را درون یک شیکر قرار می‌دهیم. در مرحله بعدی آزمایش، ابتدا مقدار ۵۰ میلی‌لیتر محلول رامنولیپید با غلظت CMC به تانکر اضافه می‌کنیم سپس تانکر را درون یک شیکرانکوباتور (25°C و ۵۰ rpm) به مدت ۲۴ ساعت قرار می‌دهیم. پس از این مدت، مواد درون تانکر را تخلیه و تانکر و محتویات آن را دو باره وزن می‌کنیم. اختلاف وزن اولیه و ثانویه تانکر برابر مقدار نفت خامی است که با بیوسورفکتانت تولیدی از تانکر خارج یا پاک‌سازی شده است.

نتایج و بحث

منحنی رشد و تأیید تولید رامنولیپید با کروماتوگرافی لایه نازک (TLC)

پس از قرار دادن ارلن‌های حاوی محیط کشت و باکتری‌ها در شیکرانکوباتور، مقادیر رامنولیپید، روغن آفتاب‌گردان و زیست‌توده در زمان‌های مختلف رشد باکتری اندازه‌گیری شدند. روند تولید زیست‌توده، تولید بیوسورفکتانت و مصرف روغن در طی رشد باکتری در شکل ۳ نشان داده شده است. این شکل نشان می‌دهد حداکثر مقدار تولید رامنولیپید و زیست‌توده به ترتیب به مقدار ۰/۵ g/l و ۴ g/l رسید. همچنین این شکل نشان می‌دهد باکتری در چهار روز اول از رشد کمی برخوردار است و بعد از روز چهارم وارد فاز لگاریتمی رشد می‌شود. از این مشاهدات می‌توان نتیجه گرفت رشد باکتری در منحنی رشد خود تأخیر فاز دارد. همچنین این شکل نشان می‌دهد تولید رامنولیپید در فاز لگاریتمی رشد شروع شده و تا فاز سکون ادامه می‌یابد. این نتیجه با نتایج ذکر شده به وسیله دیگر محققان مانند مولر و همکارانش^۱ [۱۶]، هورمان و همکارانش^۲ [۱۷] و سیلدات^۳ و همکارانش سازگار است [۲۰]. این نتایج نشان‌دهنده هماهنگ بودن نتایج حاصل از این تحقیق با پژوهش‌های محققان دیگر است. برای بررسی تکرارپذیری همه آزمایش‌ها در ۶ ارلن به‌طور هم‌زمان و در شرایط یکسان انجام شد. شکل ۴ ارلن‌های حاوی محیط کشت را پس از ۱۴۴ ساعت نشان می‌دهد. در این شکل دیده می‌شود که در حین تولید رامنولیپید کف نیز تولید می‌شود که از مشخصه‌های تولید بیوسورفکتانت‌ها است.

همچنین برای اثبات تولید رامنولیپید، آزمایش کروماتوگرافی لایه نازک (TLC) انجام گرفت. از شاهد و استاندارد جنیل برای تشخیص رامنولیپید استفاده شد. استاندارد جنیل دارای چهار نوع رامنولیپید مختلف شناخته شده است که با باکتری‌های سودوموناس آرجینوزا تولید می‌شوند [۲]، [۱۵]، [۱۶]، [۲۰]. نوع رامنولیپیدها بستگی به اتصال یک یا دو ملکول رامنوز به یک یا دو ملکول بتایدروکسی کربوکسیلیک اسید دارد [۱۵]، [۱۶]، [۲۰]. نتایج آزمایش TLC در شکل ۵ نشان داده شده است. چنان‌که در شکل ۵ دیده می‌شود باکتری پسیدوموناس آئروژینوسا PTCC ۱۵۷۰ توانسته است رامنولیپید نوع ۱ و ۳ را تولید کند. همچنین از این شکل مشخص است که در چهار روز اول اصلاً رامنولیپید تولید نشده است زیرا هیچ‌گونه رنگی در کاغذ TLC ظاهر نشده است. نتایج آزمایش TLC در تأیید شکل ۳ است و بیان‌گر صحیح بودن نتایج این تحقیق است. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت

۱. Müller et al.

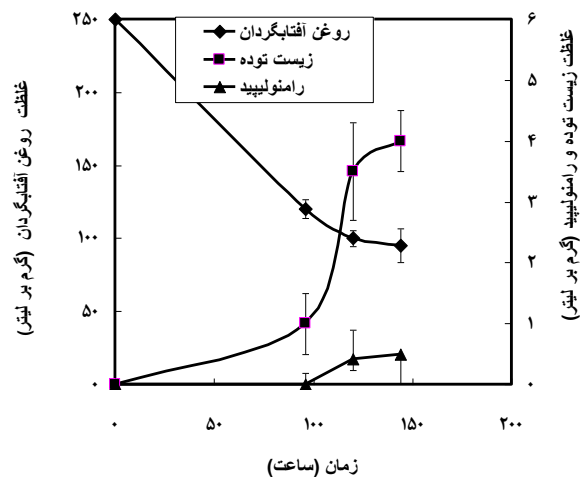
۲. Hörmann et al.

۳. Sylдатk et al.

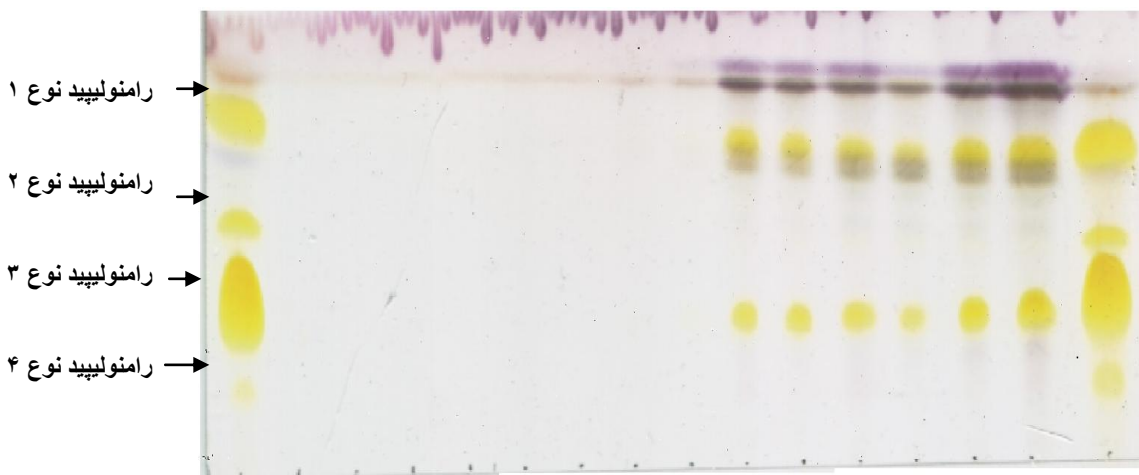
تولید رامنولیپید در فاز لگاریتمی رشد شروع و تا فاز سکون ادامه می‌یابد یا به عبارت دیگر تولید رامنولیپید وابسته به رشد باکتری نیست. این نتیجه با نمونه‌های ذکر شده به وسیله محققان دیگر سازگار است [۱۵]، [۱۶]، [۲۰]. شکل ۶ رامنولیپید خالص جمع‌آوری شده را که به صورت مایع زرد رنگ است درون یک بالن نشان می‌دهد.



شکل ۴. تولید رامنولیپید درون ارلن‌های ۱۰۰۰ میلی‌لیتری در یک شیکرانکوباتور (۳۷°C و ۱۲۰ rpm) در حین تولید رامنولیپید کف تولید می‌شود.



شکل ۳. منحنی رشد باکتری، مصرف روغن آفتابگردان و تولید رامنولیپید



شکل ۵. نتایج کروماتوگرافی لایه نازک برای رامنولیپید تولید شده در هر روز آزمایش دو بار تکرار شده است. چهار لکه سمت چپ و راست تصویر به عنوان شاهد از استاندارد جنیل به دست آمده است.



شکل ۶. نمونه‌ای از رامنولیپید تولید شده از این تحقیق

نتیجه اندازه‌گیری کشش سطحی

کاهش در اندازه کشش سطحی محیط کشت نشان‌دهنده تولید مواد دارای فعالیت سطحی با کشت‌های باکتریایی است. غلظت CMC رامنولیپید تولید برابر ۱۲۰ میلی‌گرم در لیتر با استفاده از دستگاه اندازه‌گیری کشش سطحی به‌دست آمد. همچنین رامنولیپید تولید شده از این تحقیق توانست کشش سطحی آب را 69 mN/m به 26 mN/m در غلظت CMC برساند. براساس نتایج حاصل از پژوهش‌های قبلی بر روی باکتری‌های مولد بیوسورفکتانت، هر باکتری که قادر به کم‌کردن کشش سطحی تا مقادیر کمتر از 40 mN/m باشد می‌تواند به‌عنوان یک سویه مناسب برای تولید بیوسورفکتانت در نظر گرفته شود. بنا بر این باکتری بومی ما و رامنولیپید حاصل از این تحقیق، قادر به کم کردن کشش سطحی تا مقادیر کمتر از 40 mN/m است و می‌تواند کاندیدای مناسبی برای پژوهش‌های بعدی در نظر گرفته شوند. سویه‌های مولد رامنولیپید که محققان دیگر جداسازی کرده‌اند، کشش سطحی محیط رشد را از 69 mN/m تا $25-30 \text{ mN/m}$ کاهش دادند. بنا بر این نتایج به‌دست آمده از این تحقیق قابل مقایسه با نتایج تحقیقات قبلی است [۲]، [۱۷]، [۱۸]. این نتایج نشان‌دهنده این موضوع است که کارایی رامنولیپید تولید شده از یک باکتری بومی ایرانی در حد و اندازه‌های نمونه خارجی خود است.

بررسی قدرت بیوسورفکتانت تولیدی به‌روش اوایل اسپریدینگ^۱

روش اوایل اسپریدینگ به‌علت نیاز به حجم کم نمونه‌ها، سادگی و سرعت انجام و عدم نیاز به تجهیزات ویژه و پیچیده به‌صورت گسترده در تعیین قدرت و کارایی بیوسورفکتانت استفاده می‌شود. در این روش چنان‌که گفته شد ۱۰۰ میکرولیتر نفت خام بر روی ۵۰ میلی‌لیتر آب مقطر پراکنده می‌شود و سپس ۱۰ میکرولیتر از رامنولیپید

۱. Oil Spreading

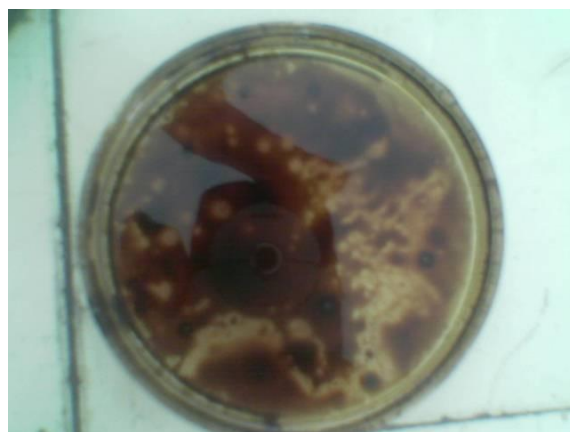
تولید شده در غلظت CMC به آن افزوده می شود و قطر ناحیه شفاف ایجاد شده در سطح لکه نفتی بررسی می شود. در این آزمایش مشاهده شد پس از اضافه شدن رامنولیپید تولید شده، نفت خام شروع به کنار رفتن از روی آب می کند و ناحیه شفاف که به دلیل وجود آب زیر نفت است، ظاهر می شود. شکل ۷ ظرف آزمایش را بعد از ۷، ۱۴ و ۳۰ روز پس از شروع آزمایش نشان می دهد. چنان که در این شکل دیده می شود نفت خامی که در ابتدا به صورت فاز پیوسته و سیاه رنگ بود از هم گسیخته شده و ناحیه شفاف زیر آن کاملاً قابل مشاهده است. این نتایج نشان دهنده قدرت زیاد و مؤثر بودن رامنولیپید تولید شده در بلندمدت نیز است. بنا بر این می توان گفت رامنولیپید تولید شده دارای توانایی خوبی برای کنار زدن نفت خام از روی آب است و می تواند در کاربردهای صنعتی به کار گرفته شود. علت این پدیده را می توان به خواص بیوسورفکتانت ها ربط داد. این خاصیت ناشی از تمایل بیوسورفکتانت ها به قرار گرفتن بین دو فاز آب و نفت است. بیوسورفکتانت ها به علت این که یک سر قطبی و یک سر غیر قطبی دارد مانند پلی بین دو فاز عمل می کنند [۱]، [۲]، [۱۸]، [۱۹].



بعد از دو هفته



بعد از یک هفته



بعد از یک ماه

شکل ۷. ایجاد لایه نفتی بر روی سطح آب و تشکیل ناحیه شفاف در سطح لایه نفتی پس از افزودن رامنولیپید تولید شده با غلظت CMC

بررسی قابلیت امولسیون کنندگی بیوسورفکتانت تولید شده به روش E_{24}

توانایی امولسیون کنندگی معیاری برای نشان دادن توانایی بیوسورفکتانت در امولسیون کردن هیدروکربن های مختلف است. در این تحقیق قابلیت امولسیون کنندگی در حضور نفت خام بررسی شد. معیار امولسیون کنندگی حفظ حداقل ۵۰٪ حجم امولسیون اولیه، ۲۴ ساعت پس از تشکیل است [۲]. یکی از فاکتورهای بسیار مهم در فرایندهای صنعتی تعیین میزان پایداری حالت تعلیق است و این پایداری هر چه بیشتر باشد بهتر است. در این آزمایش شاخص تعلیق پس از ۲۴ ساعت و همچنین ۱۵ روز بعد از آن برای ماده تولیدی اندازه گیری شد. نتایج نشان داد بیوسورفکتانت این گونه باکتری، توانایی امولسیون کردن نفت خام تا ۸۰٪ را دارد و پایداری این حالت امولسیون تا ۱۵ روز پس از آزمایش باقی می ماند که نتایج خوبی است. این نتایج نشان می دهد که بیوسورفکتانت تولید شده با این باکتری می تواند پتانسیل خوبی برای پاک سازی نفت خام از تانکرها داشته باشد.

بررسی پاک سازی نفت خام از تانکر شبیه سازی شده با رامنولیبید تولید شده

برای این کار از محلول رامنولیبید با غلظت CMC برای آزمایش قدرت نفت زدایی آن، در یک تانکر شبیه سازی استفاده شد. به این منظور ابتدا ۵۰ ml محلول رامنولیبید با غلظت CMC به تانکر مورد نظر ریخته شده و سپس تانکر درون یک شیکرانکوباتور به مدت ۲۴ ساعت در 25°C و ۵۰ rpm قرار گرفت. پس از خارج کردن محلول درون تانکر مشاهده شد کف و قسمت های پایینی دیوار جانبی تانکر که در تماس بیشتری با محلول بیوسورفکتانت بوده است به طور کامل از نفت خام پاک شده است. چنان که در شکل ۸ دیده می شود انتهای ظرف و نیمی از دیواره جانبی به طور کامل تمیز و براق شده است. می توان گفت نیمه بالایی لیوان که خوب تمیز نشده است به دلیل این است که نفت خام چسبیده به قسمت های بالایی تانکر در اثر چرخش لیوان به خوبی قسمت پایینی با بیوسورفکتانت تماس پیدا نکرده است. نتایج محاسبات در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. بازیافت نهایی نفت خام پس از استفاده از رامنولیبید تولید شده از این تحقیق

وزن لیوان فلزی خالی (گرم)	وزن لیوان بعد از آغشته شدن به نفت خام	وزن لیوان بعد از پاک سازی نفت خام توسط بیوسورفکتانت تولیدی	مقدار نفت پاک شده	درصد پاک شوندگی نفت خام توسط بیوسورفکتانت تولید شده
۳۵۰	۳۷۰	۳۵۶	۱۴	۷۰٪

اگر بتوان طوری لیوان را چرخاند که کل دیواره جانبی آن در تماس با بیوسورفکتانت قرار بگیرد با اطمینان زیاد می توان گفت درصد پاک سازی نفت خام بیشتر از ۷۰٪ نیز می شود. مقایسه نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات شرکت بدرابل ایتالیا^۱ حاکی از این است که کارایی رامنولیبید تولید شده از یک باکتری بومی ایرانی در حد و اندازه های نمونه خارجی اش است. شرکت ایتالیایی با استفاده از بیوسورفکتانت ها در یک تانک 65m^3 که 9m^3 آن لجن نفتی بود در حدود ۹۰٪ لجن نفتی (8m^3) را کاهش دادند. همچنین در آزمایش دیگری در یک تانک 160m^3 که 5m^3 آن لجن نفتی بود در حدود ۹۴٪ لجن نفتی ($4/7\text{m}^3$) را کاهش دادند [۱۱]. از مشکلات استفاده از بیوسورفکتانت ها هزینه زیاد تولید آن ها است اما باید به این توجه کرد که بیوسورفکتانت ها را می توان

۱. Idrabel Italia

به‌راحتی و حتی با استفاده از پساب و ضایعات صنایع دیگر مانند صنایع قند و لبنیات به‌عنوان ماده غذایی باکتری، به‌دست آورد. همچنین لازم به ذکر است در استفاده‌های صنعتی مانند صنعت نفت، احتیاجی به تصفیه و خاص‌سازی رامنولیپید نیست و می‌توان رامنولیپید را بدون تصفیه کردن استفاده کرد. بنا بر این استفاده از بیوسورفکتانت‌ها توجه اقتصادی نیز خواهد داشت.

نتایج این پژوهش نشان داد رامنولیپید تولیدشده با میکروارگانیزم بومی مانند پسیودوموناس آئروژینوسا PTCC ۱۵۷۰ می‌تواند گزینه خوبی برای حذف باقی‌مانده‌های نفتی در لوله‌های نفت یا تانک‌های نفتی باشد. فرایند مشابه این آزمایش می‌تواند برای پاک‌سازی هر تانک یا لوله آلوده به نفت و پاک‌سازی باقی‌مانده‌های هیدروکربنی استفاده شود.



شکل ۸. عکس تانکر شبیه‌سازی شده (لیوان آهنی مخروطی) آغشته به نفت پس از اضافه شدن محلول رامنولیپید تولید شده با غلظت CMC. تمیز شدن کف و دیواره جانبی ظرف کاملاً قابل مشاهده است

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، از باکتری پسیودوموناس آئروژینوسا PTCC ۱۵۷۰ برای تولید بیوسورفکتانت رامنولیپید استفاده شد تا پاک‌سازی نفت‌خام از مخازن ذخیره بررسی شود. در این پژوهش، تولید رامنولیپید با آنالیزهای TLC و HPLC اثبات شد. با توجه به شناسایی و اندازه‌گیری غلظت رامنولیپید با HPLC و TLC مشاهده شد تولید رامنولیپید در فاز لگاریتمی رشد شروع و تا فاز سکون ادامه می‌یابد. حداکثر مقدار تولید رامنولیپید به 0.5g/l رسید. رامنولیپید تولید شده توانست کشش سطحی آب را از 69mN/m به 26mN/m کاهش دهد و همچنین نفت خام سکوی سلمان ($\text{API}=34$) را تا 80% امولسیون کند که نتایج نسبتاً خوبی است. در انتهای این تحقیق، آزمایش بازیابی نفت خام از یک مخزن شبیه‌سازی شده نفت خام با استفاده از رامنولیپید تولید شده در غلظت CMC انجام شد. نتایج نشان داد در حدود 70% نفت خام با استفاده از این روش بازیافت می‌شود. بنا بر این، این نتایج نشان‌گر پتانسیل خوب پسیودوموناس آئروژینوسا PTCC ۱۵۷۰ برای تولید رامنولیپید و همچنین

مؤثر بودن تکنیک استفاده شده برای پاکسازی مخازن نفت خام به‌عنوان مدلی بومی است. با توجه به موارد موفقیت‌آمیز ذکر شده و همچنین منابع نفتی فراوان کشور، به‌نظر می‌رسد انجام تحقیق در زمینه تولید بیوسورفکتانت‌ها و استفاده از آن‌ها برای پاکسازی مخازن ذخیره‌نیازی ضروری است. به‌هر حال باید به این نکته توجه داشت که فناوری تولید بیوسورفکتانت‌ها و کاربرد آن‌ها در صنایع و به‌ویژه صنعت نفت، نیاز امروز و فرداست.

منابع

1. R. Sen, "Biotechnology in petroleum recovery" The microbial EOR, Progress in Energy and Combustion Science, 34 (2008) 714-724.
۲. حسین امانی، بررسی فرایند ازدیاد برداشت میکروبی نفت با بیوسورفکتانت‌ها، پایان‌نامه دکتري، دانشکده فني دانشگاه تهران (۱۳۸۹).
۳. رضا رمضانی، مهناز مظاهري اسدي، مهرداد آذین، تولید رامنولیبید توسط باکتری سودوموناس آئروجینوزا از ملاس چغندر قند تیمار شده، نشریه علوم دانشگاه تربیت معلم، جلد ۹، شماره ۳ (۱۳۹۰) ۵۱۱-۵۲۴.
۴. فاطمه ربیعی، مهناز مظاهري اسدي، مهرداد آذین، تولید رامنولیبید با سودوموناس آئروجینوزا در محیط کشت حاوی آب پنبیر تیمار شده، نشریه علوم دانشگاه تربیت معلم، جلد ۸، شماره ۴ (۱۳۸۷) ۳۰۳-۳۱۸.
5. K. V. Pathak, H. Keharia, "Application of extracellular lipopeptide biosurfactant produced by endophytic *Bacillus subtilis* K1 isolated from aerial roots of banyan (*Ficus benghalensis*) in microbially enhanced Oil recovery (MEOR)", Biotech., DOI 10.1007/s13205-013-0119-3
6. I. Lazar, S. Dobrota, A. Voicu, M. Stefanescu, L. Sandulescu, "Microbial degradation of waste hydrocarbons in oily sludge from some Romanian oil fields", J. Pet. Sci. Eng., 22 (1999) 151-160.
7. P. Yan, M. Luc, Q. Yang, H. Zhang, Z. Zhang, R. Chen, "Oil recovery from refinery oily sludge using a rhamnolipid biosurfactant-producing *Pseudomonas*", Bioresource Technology, 116 (2012) 24-28.
8. A. P. Kuriakose, B. M. S. Kochu, "Bitumenous paints from refinery sludge", Surf. Coatings Technol, 1(2001) 132-138.
9. T. M. S Lima, A. F. Fonseca, B. A. Leão, A. H. Mounteer, "Oil Recovery from fuel oil storage tank sludge using biosurfactants", Journal of Bioremediation and Biodegradation, 12 (2011) 125-140.

10. A. Gorkovenko, D. Kaplan, "Bioengineering of emulsifier structure: emulsan analogs", Can. J. Microbiol, 43 (1997) 384-390.
11. Idrabel Italia S. r. l, "Environmental Technologies for Refineries, Idrabel Italia", Tank Cleaning Technology, WWW. Idrabel.it.
۱۲. احسان امیریان، بررسی امکان تولید امولسان از میکروبی‌های مخازن نفتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (۱۳۸۳).
13. D. Gutnick, E. Rosenberg, "Cleaning oil contaminated vessels with α emulsans", US Patent 4, 276 (1981) 094.
14. I. M. Banat, N. Samarath, M. Murad, "Biosurfactant production and use in oil tank clean up", World J. Microbiol. Biotechnol, 7 (1991) 80-84..
15. G. Carlo, W. Dieter, R. Reinhardt, M. Johannes, "*Pseudomonas aeruginosa* and its use in a process for the biotechnological preparation of L-Rhamnose", *United States patent*, Patent No. 5658793 (1997).
16. M. M. Müller, B. Hörmann, C. Syltatk, R. Hausmann., "*Pseudomonas aeruginosa* PAO1 as a model for rhamnolipid production in bioreactor systems", Appl. Microbiol. Biotechnol., 87 (2010) 167-174.
17. B. Hörmann, M. M. Müller, C. Syltatk, R. Hausmann, "Rhamnolipid production by *Burkholderia plantarii* DSM 9509", Eur. J. Lipid Sci. Technol., 112 (2010) 674-680.
18. S. Nasr, M. R. Soudi, M. R. Mehrnia, M. H. Sarrafzadeh, "Characterization of novel biosurfactant producing strains of *Bacillus spp.* isolated from petroleum contaminated soil", Iranian Journal of Microbiology, 1 (2009) 54-61.
19. N. H. Youssef, K. E. Duncan, D. P. Nagle, K. N. Savage, R. M. Knapp, M. J. McLnerney, "Comparison of methods to detect biosurfactant production by diverse microorganisms", J.of Microbiol. Meth, 56 (2004) 339-347.
20. C. Syltatk, S. Lang, F. Wagner, V. Wray, L. Witte, "Chemical and physical characterization of four interfacial-active rhamnolipids from *Pseudomonas spec.*, DSM 2874 grown on n-alkanes", Z Naturforsch, 40 (1985) 51-57.